

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

سخنرانی اخیر اشرف پهلوی بعنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره حقوق بشر پیش از آنکه خشم برانگیزد انسان را بحیثیت وامیدارد. زیرا این سخنرانی همه مرزهای گسستگی و واژونسازی و قریبکاری راکسته و از آنها فراتر رفته است. اشرف در این جلسه شکنجه را محکوم نمود و گفت: «شکنجه غیر قابل توجیه و محکوم شدنی است» او اضافه کرد: هیئت من بدین منظور

گستاخی و سالوسی شکنجه گران

و با چنین اندیشه‌های امسال مشترکاً با کشور سوئد طرح دوطلنامه بسیار مهم را در این زمینه تهیه و ارائه داد. تهیه طرح طلنامه ای علیه شکنجه از جانب رژیم که شکنجه و ایداه جسمی و روحی زندانیان سیاسی را از سالها پیش بآئین حکومت بدل نموده، نامی جز

و با چنین اندیشه‌های امسال مشترکاً با کشور سوئد طرح دوطلنامه بسیار مهم را در این زمینه تهیه و ارائه داد. تهیه طرح طلنامه ای علیه شکنجه از جانب رژیم که شکنجه و ایداه جسمی و روحی زندانیان سیاسی را از سالها پیش بآئین حکومت بدل نموده، نامی جز

سفر تسلیم و رسوائی

دیدار شاه در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان از امریکا، که برای سال ۱۹۸۰ - ۱۹۷۶ در دوره فورد - کیسینجر ۵۵ میلیارد دلار تعیین شده بود، به ۸۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. شاه خود در «بلوهایوس» بهنگام ملاقات با نمایندگان انحصارات غارتگر امریکا، رشد جمعیت ایران را متذکر شد و «ایران را بازار وسیعتر آینده برای فرآورده های صنعتی امریکا» اعلام داشت. زمامدار يك کشور تا چه درجه از حقارت باید سقوط کرده باشد که رشد جمعیت کشور خود را وسیله ترس و تشویق انحصارات غارتگر امپریالیستی به توسعه غارت و استثمار قرار دهد!!!

دیدار شاه در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان از امریکا، که برای سال ۱۹۸۰ - ۱۹۷۶ در دوره فورد - کیسینجر ۵۵ میلیارد دلار تعیین شده بود، به ۸۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. شاه خود در «بلوهایوس» بهنگام ملاقات با نمایندگان انحصارات غارتگر امریکا، رشد جمعیت ایران را متذکر شد و «ایران را بازار وسیعتر آینده برای فرآورده های صنعتی امریکا» اعلام داشت. زمامدار يك کشور تا چه درجه از حقارت باید سقوط کرده باشد که رشد جمعیت کشور خود را وسیله ترس و تشویق انحصارات غارتگر امپریالیستی به توسعه غارت و استثمار قرار دهد!!!

رهنمود های «اعلیحضرت» در ضدیت با قانون اساسی

داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی در اجرای دستورات شاه برای برقراری نوع جدیدی از سانسور مطبوعات، طرح زیر را تهیه و برای تصویب نزد آموزگار فرستاده است:

کانون نویسندگان ایران به موج جدید ترور شدیداً اعتراض میکند

سرکوب فعالیت های دانشجویی و غیر دانشجویی بشدت به صورت سیاست هر روزی دولت در آمده است. پلیس که پیش از این با او بیوفیوم رسمی به کتاک زند و مجروح کردن مردم مبادرت میکرد، اکنون به لباس شخصی با چوب و زنجیر آهنی بنام هواداران رژیم بهانه مبارزه با «بیگانه پرستان» به جان مردم می افتد.

روزنامه پروادا در باره نتایج سفر شاه به امریکا

شاه ایران طی يك مصاحبه مطبوعاتی در بازگشت از مسافرت به ایالات متحده امریکا دربارس اظهار داشت، در اجلاس آینده سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) که در نامه بر در کارا کاس تشکیل خواهد شد، ایران پیشنهاد خواهد کرد که بهای کنونی نفت برای مدت یکسال را کد بماند. موضوعی که ایران در این مورد اتخاذ نموده، پاسخگوی منافع ایالات متحده امریکا است که بمنظور جلوگیری از افزایش مجدد بهای نفت از هیچگونه اعمال فشار بر کشور های عضو اوپک قرو گذار نمیکند.

نش در برابر تجاوزکار و ریب در وحدت خلقهای کشور های عربی

مسافرت انور سادات رئیس جمهور مصر، به نوبت دیدار و مذاکرات با زمامداران اسرائیل در لرب خشم و اعتراض همگانی را برانگیخت. اعتراض علیه این دیدار در همه کشورهای ظاهرات و میثتیک هائی تشکیل یافت. سازمان طایفه ای و دیگر سازمان های اجتماعی عراق، لبنان، سوریه و دیگر کشورهای عربی این ا بمشابه اقدامی متاثر با منافع خلقهای عرب و تسلیم در برابر تجاوزکار و تأمین منافع امپریالیسم نزدیک ارزیابی و محکوم میکنند.

جهانگردی بجای آنکه اجازه چاپ مطبوعات را بدهد باید خط مشی ها را برایشان روشن سازد و آنگاه مطالب چاپ شده را با توجه به خط مشی ها ارزیابی کند.

کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن تمام این توطئه ها بجات نبودن تأمین جانی برای عموم با قبول خطر همین اظهار نظر کوتاه، از مصاحبه تفصیلی خود خاری میکند.

گستاخی و سالوسی شکنجه گران

فاشیستی در مورد مخالفان خویش است، نامش در فلکباری است. آیا این همه شهیدان زیر شکنجه این همه بدنهایی شلاق خورده، ناخن هلی کشیده شده، سر و صورت ضرب دیده، پاهای مفلوج، دستهای از کار افتاده، پشتهای و باهی کباب شده، چشمها و گوشهای معیوب که محصول سالهای سال شکنجه گری ماموران فریادیه و بی ننگ و عار سازمان امنیت شاه است، گواه محکومیت این رژیم شکنجه گریست؟ آیا پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و دهها زن و مرد مبارز و مقاوم در شکنجه گلهای ایران و کمیته شهادت نرسیدند؟ رژیمی که مرتکب این همه جنایات فجیع شده و میشود آیا حق دارد بجای شمرساری در برابر افکار عمومی جهان و پاسخگوئی در دادگاه جامعه بعنوان متهم، گستاخانه در مقام اندرزگری برآید و مبتکر طرح محکومیت شکنجه شود؟

اشرف که میدانند جهانیان از خصلت فاشیستی رژیم مستبد ایران بخوبی آگاه اند و نعل وارونه او بی اثر است، مذبحخانه و انمود میکنند که اگر هم شکنجهای در کار بوده، بدون اطلاع مقامات دولتی بوده است. او میگوید: «بهررسی وقایع و تفرقه بدون شک بما نشان میدهند که رفتارهایی چنین ناشایست معمولاً بدست عواملی صورت گرفته و مقامات دولتی از آن بی اطلاع میباشند! معلوم نیست اشرف پهلوی این دروغ بزرگ را که با اقرار گوناگون برادر تاجدارش در تضاد است چگونه توجیه میکند. مگر چند سال پیش شاه در برابر پرسشهای مکرر نمایندگان مطبوعات جهان لاجلاج بوجود شکنجه اعتراف نکرد؟

و نه تنها بوجود شکنجه جسمی، بلکه از اشکال «مدرنتر» شکنجه، یعنی وجود شکنجه روحی سخن نگفت؟ امروزه تنها زندان کمیته، «اطاق تمشیت»، اجاق برقی و اطاق فوتبال و شولک الکتریکی شکنجه گران ساواک یک سلسله مفاهیم و مقولات مشهور خاص و عام اند، بلکه پخش نوار صحنه و فریاد مبارزان شکنجه دیده در زندانهای مخوف، ایذاء و اذیت خانواده زندانیان و حتی کودکان خردسال بر برابر چشم آنان، نمایش اعدام متهم - که در برابر پاک نژاد عمل کردند - از سیاق همان شکنجههای روحی است که «علیحضرت» بان اعتراف کرده است. باید از اشرف پهلوی بپرسید چه کسی دستور داد تا مأموران زندان روی کریم پور شیرازی مدیر روزنامه شورش نقت بریزند و او را زنده زنده بسوزانند.

مگر دستور مستقیم شما، خانم باصطلاح رئیس هیئت نمایندگی ایران نبود که موجب این حادثه فجیع شد؟ مگر برادر تاجدار شما اعتراف نکرد که با تفاق قرح تا ساعت یک پس از نیمه شب در کاخ سلطنتی بیدار مانده، تا مهندس منصوری متهم بشرکت در واقعه تیراندازی را بکاخ آورده اند؟ چه ضرورتی ایجاب میکرد که این ملاقات در ساعات پس از نیمه شب انجام گیرد؟ آیا این شکنجههای آذینانی جلادان ساواک نبود تا متهم را آماده برای اقرار نموده و سپس نزد شاه در مصالحههای که «چمچ یونگر» خبرنگار روزنامه «شیکاگو تریبون» و «جکسون» رئیس اداره آن نشریه در لندن با او نمودند، در پاسخ این سؤال که آیا شکنجه در ایران وجود دارد گفت: «از یکسال پیش نوع جرم هرچه باشد، شکنجهای اعمال نمیشود»

اقرار صریح باینکه حداقل تا یکسال پیش شکنجه زندانیان سیاسی معمول بوده و شاه از آن اطلاع داشته، آیا دروغگور یا پیش از پیش آبرویخته نمیکند؟ تازه همین ادعای شاه دروغ است. زیرا هم اکنون منابع گوناگون داخلی و خارجی وجود شکنجه را تصریح میکنند. مجله اکونومیست لندن در شماره ۲۵ نوامبر ۱۹۷۷ نوشته است: «شاه میگوید که زندانیان سیاسی او از لحاظ تعداد کاهش یافته اند» ولی باید گفت برای کسانی که باقی مانده اند شکنجه و سؤ رفتار امری عادی است. «تلویزیون آلمان فدرال در یکی از برنامههای خود در هفتههای اخیر، از ایران خبری در خصوص کوهستانی نام برد که در آنها شکنجه اعمال میشود. نامه ای که اخیراً آقای علی اصغر حاج سید جوادی انتشار داده است، بصراحت بوجود و ادامه شکنجه در حال حاضر تأکید میکند.

نمایندگان دانشجویان جهان سیاست نظامیگری رژیم ایران را محکوم کردند

دوازدهمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان که از تاریخ ۳ تا ۱۰ آبان ۱۳۵۶ (۲۵ اکتبر - اول نوامبر ۱۹۷۷) در شهر صوفیه پایتخت بلغارستان تشکیل بود، از جمله قطعنامه هایی در باره خاور میانه و آسیای صغیر نمود که در هر دو سیاست نظامیگری رژیم ایران محکوم شده است. ضمناً کنگره بیکار مردم و دانشجویان ایران را تجلیل نمود.

در قطعنامه خاور میانه گفته میشود: «کنگره... همدستی رژیم های ارتجاعی ایران، عربستان سعودی و اردن را در درهم شکستن انقلاب عمان برهبری «جبهه ملی آزادی عمان» و عقیم ساختن بیکار آزادی بخش مردم عمان علیه سیستم فئودالی آن کشور را محکوم میکند».

«سلاحهای متغایه و مدرنی که به رژیم های ارتجاعی و هوادار امپریالیسم منطقه، بویژه اسرائیل و ایران، واگذار میشود از حقوق مشروع دفاعی این کشورها بیستجاوار است و هدف آن اخلال ثبات منطقه و مبارزه کارشکنانه با ستاورد های ترقی خواهانه جنبش آزادیبخش عرب است».

در قطعنامه آسیا گفته میشود: «کنگره... بیکار مردم و دانشجویان ایران را علیه اختناق و برای آزادیهای دمکراتیک می ستاید». «کنگره بپیمانهای نظامی «ستو» و «آژوس» قرار داد های دفاعی ژاپن - ایالات متحده، کوشش برای تبدیل «استان» به بیصان نظامی، انباشت متغایه جنگ افزار های امریکائی در ایران و دیگر کشورهای آسیا و پانگلهای نظامی امپریالیستی در آسیا را که صلح، امنیت و حاکمیت بسیاری از کشورهای آسیا را مورد مخاطره قرار میدهد، محکوم میکند».

رهنمود های «علیحضرت»...

کردن جریان اطلاعات در کشور ملازمه دارد. اگر سازمانهای دولتی مطبوعات را با خبرها و مطالب خود تنذیه کنند آنها کمتر به دنبال مطالب خلاف واقع یا جنجال برانگیز خواهند رفت و اصلاح بهبود کیفیت کار آنها بروزارت اطلاعات و جهانگردی بسپار آسانتر خواهد شد. نیاز مطبوعات (البته مطبوعات غیر شخصی و حرفه ای) به خبرهای دولتی حتی بیش از نیاز آنها به آگهی های دولتی است. باید این نیاز را به سود مطبوعات و سازمانهای دولتی و جامعه بطور کلی برآورد. دولت در انجام وظیفه روشنگری خود باید مطالب و خبرهایش را هرچه بیشتر در اختیار مطبوعات قرار دهد.

۲- هر چند مسئولان دولتی نباید در مصاحبه های مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی افراط کنند و بویژه باید از دادن وعده بپرهیزند، ولی این امر نباید با اساک از دادن خبر و اطلاع اشتباه شود. خبر و اطلاع حق مردم است و بسود دستگاههای دولتی هم هست.

۳- اطارات روابط عمومی وزارتخانهها باید تقویت شوند و در جریان کارها قرار گیرند. نقش روابط عمومی تنها دافع بخشنامه های سازمان مربوطه مطبوعات نیست. روش کنونی که سمت رئیس روابط عمومی معمولاً جلدی گرفته نمیشود و دستگزار روابط عمومی زائدهای بی سازمان اداری است در بیشتر سازمانها نیاز بنظیر دارد.

۴- وزیران و روسای سازمانها گاهگاه بهتر است وقت خود را به نویسنده گان و خبرنگاران مطبوعات بدهند و در جلسات توجیهی که مطالب آن لزوماً انتشار نخواهد یافت شرکت جویند. همچنین از معاونان و همکاران مسئول خود بخواهند که راسا مطالبی را در اختیار مطبوعات قرار دهند. حسن رابطه سازمانهای دولتی با مطبوعات نه تنها بنفود آن سازمانها، بلکه به سیاستهای کلی دولت کمک خواهد کرد.

در مواردی که مطبوعات مطالب خلاف می نویسند توضیح لازم به آنها داده شود. وزارت اطلاعات و جهانگردی مسئول رعایت حق پاسخ از سوی مطبوعات است. امید است برعایت این سیاستها مطبوعات بتوانند سهم واقعی خود را در توسعه سیاسی واجتماعی و اقتصادی ایران ادا کنند.

با احترام - داریوش همایون
وزیر اطلاعات و جهانگردی

این همه خیانتها برای چیست؟ چرا شاه بیش از پیش به تسلیم و رسوائی بیشتر در برابر امپریالیسم رومیاورد؟ پاسخ این سؤالات را باید در پیشینه امر، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در تسلیمهای بی دردی شاه در برابر امپریالیسم و بالاخره در منفرد شدن کامل رژیم او در جامعه ایران جستجو کرد. شاه با تکیه بر استبداد سلطنتی، با استعزاز شخونت باز تربیت ترور پلیسی، با سرکوب کامل آزادیهای دمکراتیک همه طبقات و سبوح زحمتکش و افشار مترقی و ملی جامعه را در تنگنا و فشار قرار داده است. شاه همه تروتسکی زیرزمینی، نیروی انسانی و امکانات مالی ایرانی را بتلواچ امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکاداده. فلاکتنازترین وضع ممکن را برای اقتصاد مملکت اعم از کشاورزی، صنعت و کار و زندگی مردم فراهم آورده. شاه با سیاست ضد ملی و ضد خلقی خود جامعه ایران را در اسارت قرون وسطائی، محرومیت از آزادی، استقلال و ترقی نگاه داشته و به معنی واقعی کلمه ملت را عاصی کرده است.

گرنش در برابر تجاوز کار و

از جانب رژیم کنونی مصر بر جبهه واحد کشور عربی در مقابل تجاوز کاری اسرائیل و تضعیف جبهه امپریالیستی خلفهای عرب وارد آمده است. سادات به دیدار و مذاکره با زمامداران امر اعتراض و عدم رضایت سران اکثریت کشورهای روبرو شد و شخصیت های دولتی خود مصر نیز موافقت خود را با این اقدام ابراز داشتند. اما تهمی معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه ما نشانه اعتراض علیه این دیدار از مقام خود استه و در استفاده نام خود خاطر نشان نمود که وی نه با خط مشی سیاسی کنونی زمامداران مصر موافقت و در مسئولیت اجرای آن شریک باشد. محمد نیز که بجای وی به این سمت منصوب گردید قبول این مقام امتناع نمود.

حزب بعث عراق و هیئت نمایندگی نیرو ملی و میهن پرستان لبنان طی اعلامیه ای دیدار سادات از اسرائیل را محکوم کرده و آنرا بمنزله آتش خطرناک و خیانت بمناسف ملی خلفهای عرب از میکنند. در این اعلامیه ذکر شده است که این بمنزله پیشروی هر چه بیشتر در راه تسلیم طلبانه است که رژیم کنونی مصر به پیروی از نقشه امپریالیسم و در نوبت اول امپریالیسم امریکا و در هلی ارتجاعی منطقه پیش گرفته است.

ناظران سیاسی به این مطلب توجه دارند اقدام تسلیم طلبانه سادات در مقابل اسرائیل در زمانی صورت گرفت که اسرائیل عملیات تها کارانه علیه کشور عربی همسایه خود، لبنان را کرده و میکوشد سازمان آزادیبخش فلسطین را کمد.

شورای وزیران الجزیره طی اعلامیه ای در دیدار انور سادات از اسرائیل خاطر نشان میکند، سادات از اسرائیل اندامی است، در سمت ایجاد تها در میان خلفهای عرب و خدمت بدشمنان این خلق تشکیل جلسه مشاوره کشورهای الجزیره و لبنان، جنوبی و سوریه و سازمان مقاومت فلسطین بدینجه خود نشانه آنست که در مقابل سیاست تسلیم ط انور سادات جبهه مقاومت وسیعی در میان کشورهای سازمانهای عربی در حال بوجود آمدن است.

از سوی دیگر این دیدار با نظر تأیید و خرسندی دولت ایالات متحده امریکا ومخالف صهیونی روبرو گردید. سخنگوی کاخ سفید در واشنگتن اظهار داشت که کارتر رئیس جمهور ایالات متحده امریکا دیدار سادات از اسرائیل را یک دیدار تها نامیده است. بطوریکه روزنامه های امریکائی میدهند حتی در یکی از کلیساهای واشنگتن مراسم عبادت و دعا برای موفقیت میسیون سادات برپا شد.

کارتر نیز شخصاً تر آن مراسم شرکت نمود و تبلیغ غرب مقام کارتر را تا «موسی که شط نیلرا شکافه بالا بردند» در استانه این دیدار دولت امریکا تها هائی بکار برد تا دول اروپایی غربی متحد خود را وادار کند که پشتیبانی خود را از دیدار و مذاکره سادات با زمامداران اسرائیل اعلام دارند.

بدین ترتیب دیگر جلی هیچگونه تردید نیست که مبتکر این دیدار دولت امریکا و صهیونیستی هستند و این خود مؤید آنست که دیدار برای خلفهای کشور های عربی و حل عادل مسئله خاور نزدیک نمیتواند دارای بی آمد هئی باشد. زیرا مسلم است که مسئله خاور نزدیک از تسلیم طلبی و گنشت در برابر تجاوز کار و حامیان امپریالیستی آن و تغریب در وحدت جبهه خلفهای کشور های عربی که قربانی تجاوز کاری هستند، نتیج حل و فصل شود. راه حل واقعی و عادلانه این مسئله در آزادی تمام سرزمینهای اشغالی کشورهای عربی و جنب اسرائیل و شناسائی و تهاقی پذیرفتن حقوق قانون خلق عرب فلسطین و تشکیل دولت مستقل ملی خلق است. همه نیرو های ترقیخواه کشورهای عرب، جنب راه حلی را قابل قبول میدانند و کشور سوسیالیستی و همه نیرو های ترقیخواه جهان از راه حل حمایت و پشتیبانی میکنند.